

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یکی از هواداران پورتال

۰۳.۰۸.۱۰

شرفباختگی و وطن فروشی یک خلقی

یکی از خلقی های شرفباخته به اسم محمد یونس فکور که تا دیروز خود را عام و تام در اختیار سوسیال امپریالیزم شوروی قرار داده بود و تا توانست به ملت خود خیانت و ظلم روا داشت، به تاریخ ۲۷ سرطان ۱۳۸۹ یکبار دیگر و اینبار با زانو زدن در مقابل سفیر کشور امپریالیستی انگلیس عمق خود فروشی خلقی ها را به اثبات رساند. این انسان بی مایه و رذیل با بی شرمی تمام علاوه بر اینکه ملت خود را جاهل و به دور از تمدن خطاب کرد، از کشته شدن سه عسکر نیرو های اشغالگر انگلیس شرمسار گردید و با گفتن فکاهی بی معنی و بی محتوایی مردم شرافتمند و با وقارم را وحشی جلوه داد.

هر چند ماهیت این انسان بی مغز، احمق، وطنفروش و حزب وطنفروش تر از خودش در زمان اشغال افغانستان عزیز توسط اشغالگران سوسیال امپریالیزم آشکار گردیده بود، اما اینبار چنان وطنفروشی و بی ناموسی نمود که سفیر کشور امپریالیستی انگلیس نیز از شرم عرق سرد به پیشانی اش نشست.

گزارش این ملاقات که توسط وحید مزده تحریر و در سایت بی محتوا و ضد مردمی جرمن آنلاین به نشر رسیده، برایم بسیار تکانهنده بود. زمانیکه این گزارش را خواندم و به آخر آن رسیدم از عصبانیت خود را کنترل کرده نتوانستم و یک ساعت تمام می لرزیدم.

آقای فکور بی فکر! تو به کدام جرأت به خود حق دادی که ملت شریف کشورم را جاهل، وحشی و بی تمدن بگوئی؟ جهالت خو از سر و پای تو می بارد که ملت قهرمانم را جاهل می گوئی، بی تمدن و وحشی خو تو هستی که تا دیروز ناموس ات را به روس و امروز ناموس ات را به اشغالگران غربی می فروشی. اگر تو فکر میکنی که فردا حساب این گفته هایت را مردم زحمتکش و شجاع نمی گیرند، کور خواندی؛ روزی فرا خواهد رسید که حساب هر کلمه ات را باید پس بدهی.

برای اطمینان خاطر باید بگویم که دیروز وقتی این مطلب را در تکسی و با مردم خود در جریان گذاشتم، ایکاش می بودی تا عمق احساسات شان را درک می کردی. ملت به خون ات تشنه است. عطش تشنگی آنها فقط با ریختن خون ات رفع می گردد. جزای انسان کثیف و وطنفروشی چون تو اعدام است و آن هم اعدام صحرائی.